

یادگار تاریخی رکن چهارم مشروطه



● بهروز طهرانی

تِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاؤُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.

(ما این روزها را میان مردم به نوبت می گردانیم و خداوند کسانی را که ایمان آورده اند معلوم بدارد و از میان شما گواهانی بگیرد و خداوند ستمکاران را دوست نمی دارد. (آل عمران ۱۴۰))

اشاره: در طول سال‌هایی که در مؤسسه اطلاعات مشغول به کار بودم، به‌ویژه در سال‌های اخیر، هر گاه به مناسبتی تاریخی همچون سالگرد تأسیس روزنامه اطلاعات یا مناسبت‌هایی همچون ملی شدن صنعت نفت یا کودتای ۲۸ مرداد یا سالروز درگذشت شخصیت‌هایی همچون دکتر شریعتی، دکتر مصدق، آقای طالقانی و... نزدیک می‌شدم مرحوم آقای داعی از من می‌پرسید چیزی نوشته‌ای؟

این نوشته به مناسبت نود و هفتمین سال تأسیس و انتشار روزنامه و به اشاره مرحوم سید محمود داعی نگاشته شد، گرچه اینک چندی است که دیگر در میان ما نیست.

یکی از بزرگ‌ترین ثمرات و دستاوردهای انقلاب مشروطیت ایران بعد از تغییر نظام حکمرانی ایران از استبداد پادشاهی به نظام مشروطه سلطنتی، مطرح شدن مطبوعات به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی یا به عبارت آن دوران، رکن چهارم مشروطیت بود.

مطرح شدن مطبوعات به‌مثابه رکن چهارم مشروطیت در حالی بود که به هنگام وقوع انقلاب مشروطیت، حداقل نیم قرن از انتشار نخستین روزنامه در ایران می‌گذشت. پس به چه دلیل انتشار مطبوعات را رکن چهارم مشروطه یا آزادی و دموکراسی دانستند و آن را یکی از ثمرات دموکراسی و قیام مردم علیه استبداد قجری خواندند؟

مسئله به این‌جا باز می‌گشت که با انقلاب مشروطه و سرنگونی نظام استبدادی تک نفره قاجار، مطبوعات دیگر عضو زاید و طفیلی محسوب نمی‌شدند که حکومت و حکومتگران هرگاه اراده کردند اجازه انتشار آن را بدهند یا هرچه را که خوب و درست تشخیص ندادند توسط محررین آن‌ها از درون صفحات روزنامه‌ها و مجلات بردارند.

عمر رکن چهارم مشروطه چندان زیاد نبود. از همان ماه‌های اول بعد از پیروزی انقلاب، در پی وقوع هر اتفاق و اشتباه کوچک و بزرگی از سوی یکی از نشریات، مطبوعات هدف حمله قرار می‌گرفتند و دشمنان آزادی با فریادهای به‌ظاهر خیرخواهانه و در شمایل دفاع از ملک و میهن یا دین و مذهب، خواستار برخورد با آن‌ها و تعطیل جریده و محاکمه صاحب‌امتیاز، مدیر مسئول و نویسندگان و قیام دست‌اندرکاران آن نشریه می‌شدند.

در عرصه سیاسی کشور نیز با وقوع هر رویدادی، مطبوعات از جمله نخستین مراکز مورد حمله خشم و کین مستبدانی بودند که در کنار برخورد و تعطیلی احزاب و نیروهای سیاسی، رکن چهارم مشروطه را هدف قرار داده و خواستار توقیف و تعطیلی آن‌ها می‌شدند و در نتیجه هربار اهالی رکن چهارم باید به انتظار فرجی دیگر می‌ماندند تا خشم ازباف فروکش کند و اجازه دهد تا توقیف‌شدگان بار دیگر انتشار از سر گیرند.

از زمان وقوع انقلاب مشروطیت تا پایان نظام مشروطه این وضعیت بارها و بارها تکرار شد؛ چه بر اثر تندروی‌های بی‌جا و بی‌دلیل برخی نشریات و چه بر اثر اقدامات غلط برخی احزاب همچون برخورد مسلمانان با رقیبان خود نظیر آن‌چه در واقعه ترور آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی رخ داد یا به دنبال وقایعی از جمله به توپ بستن مجلس شورای ملی توسط لیاحوف روس و برقراری استبداد صغیر در تیرماه ۱۲۸۷ یا در پی اولتیماتوم و هجوم وحشیانه قزاق‌های روسیه تزاری در قفسه مورگان شوستر یا بعد از کودتای سیاه سوم اسفند ۱۲۹۹ توسط رضاخان و حکومت ۱۰۰ روزه سیدضیاءالدین طباطبائی.

فشار بر مطبوعات همچون سایر ارکان و جنبه‌های آزادی، از آن پس نیز همواره ادامه یافت؛ چه بر اثر خودکامگی حاکمان وقت و چه گاه و بی‌گاه بر اثر فشارهای دول استعمارگر اعم از روسیه تزاری یا بریتانیا و آمریکا و بارها و بارها تکرار شد.

کمتری رو به‌رو بود، سال‌های پایانی سلطنت قاجار، حداقل فروردین ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۵، یعنی زمان به تخت نشستن رضاخان سردار سپه بود که از آن پس رضاشاه نامیده شد.

در مرداد ۱۳۵۳ دولت هویدا به دستور و تحت فشار شاه و ساواک، بیش از ۶۰ نشریه را توقیف و تعطیل کرد. مجلات «فردوسی»، «سپید و سیاه»، «تهران مصور»، «امید ایران» و «اسانامه دنیا» در زمره توقیف‌شدگان بودند اما این توقیف، هیچ‌یک از نشریات اطلاعات را شامل نشد. با بسته شدن بیش از پیش فضای مطبوعات، نقش نشریات باقی‌مانده و به‌ویژه سه روزنامه سراسری یعنی اطلاعات، کیهان و آیندگان در بازتاب حوادث کشور برجسته شد.

اطلاعات در این دوره یعنی از اوایل سال ۱۳۵۵ با انتشار ویژه‌نامه تاریخی ۲۸ هزار روز توانست جایگاه خود را در عرصه مطبوعات تحکیم کند.

در جریان حوادث سال ۱۳۵۷ و به‌ویژه بعد از روی کارآمدن دولت شریف امامی در اوایل شهریور ۱۳۵۷ به تدریج فشار بر مطبوعات رو به کاهش گذاشت و در نتیجه اطلاعات نیز همچون سایر جراید توانست اخبار و حوادث روز را به نحو درست تر و واقعی‌تری منعکس کند اما بعد از واقعه سیزدهم آبان، اطلاعات و سایر نشریات وابسته به آن همگام با سایر نشریات در اعتراض به اقدامات رژیم شاه، اعتصاب سراسری مطبوعات را آغاز کردند و در نتیجه اطلاعات بار دیگر به مدت دوماه منتشر نشد.

اطلاعات و سایر روزنامه‌ها و نشریات، دوماه تعطیلی و بی‌خبر ماندن جامعه از حوادث پرتعداد آن روزها را بعد از پایان اعتصاب مطبوعات، در فاصله ۱۶ آدی تا ۲۲ بهمن با پوشش وسیع اخبار روز و نیز انعکاس مهم‌ترین اخبار دوماه گذشته جبران کردند.

با پیروزی انقلاب، اطلاعات و کیهان، دو روزنامه سراسری آن دوران مصادره شدند و اداره آن به دست نیروهای انقلاب افتاد و بدین سان، در دوره سوم مدیریتی اطلاعات از ۲۲ بهمن تا اردیبهشت ۱۳۵۹ مدیریت روزنامه چندبار تغییر کرد و هر از گاهی یا شورای منتخب کارکنان یا فردی که از سوی بنیاد مستضعفان تعیین می‌شد در جایگاه مدیریت روزنامه قرار می‌گرفت.

تا آن که در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۹، سیدمحمود داعی، سفیر ایران در عراق و از یاران نزدیک رهبر انقلاب که به دنبال بالا گرفتن اختلافات ایران و عراق به ایران بازگشته بود از سوی ایشان به‌عنوان نماینده ایشان و سرپرست مؤسسه اطلاعات منصوب شد و زمام اداره مؤسسه را برعهده گرفت. در حکم رهبر انقلاب خطاب به آقای داعی، بر لیاقت و شایستگی ایشان و ضرورت حفظ آزادی‌ها در حدود قوانین مقدس اسلام و قانون اساسی تأکید شده بود. از آن زمان به بعد، دوره چهارم اداره روزنامه تحت سرپرستی فردی که پیش از پیروزی انقلاب از جمله عناصر مبارز و فعال در خارج ایران بود قرار گرفت.

سیدمحمود داعی پیش از انقلاب با تهیه و اجرای برنامه صدای روحانیت مبارز از رادیو بغداد به نوعی با فعالیت‌های اطلاع‌رسانی آشنا بود ولی به دلیل عدم حضور در عرصه مطبوعات در بدو ورود خود به اطلاعات تلاش کرد با گردآوردن جمعی از جوانان فرهیخته به سرورسان دادن اطلاعات و انتشار روزنامه در جهت آرمان‌ها و اهداف انقلاب بپردازد.

وی در طول بیش از ۴۲ سال حضور در روزنامه اطلاعات این راه را ادامه داد. تلاش کرد تا در کنار انتشار مرتب و منظم روزنامه و برخی نشریات که از قبل منتشر می‌شدند همچون اطلاعات هفتگی، جوانان و دنیای ورزش، با انتشار نشریات با غنای بالای فرهنگی، جایگاه روزنامه و مؤسسه اطلاعات را ارتقا بخشد.

در طول سال‌های حضور او در مؤسسه، نشریاتی همچون اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ادبستان، اطلاعات جبهه، اطلاعات علمی، اطلاعات بین‌المللی و اطلاعات حکمت و معرفت با حمایت و زیر نظر ایشان شروع به انتشار کردند.

در همین راستا و به‌منظور کمک به نشر و گسترش مسائل فرهنگی، در دوران سرپرستی ایشان انتشارات روزنامه اطلاعات برای تولید و چاپ کتاب راه‌اندازی شد؛ نهادی که از اواسط دهه ۱۳۶۰ تا به امروز، نزدیک به هزار عنوان کتاب چاپ و به بازار کتاب عرضه کرده است.

سیدمحمود داعی، روحانی ساده‌زیست که از جمله قدیمی‌ترین و پرسابقه‌ترین مدیران کشور بعد از انقلاب بود، سرانجام به دلیل بیماری بعد از دو روز بستری در بیمارستان در روز ۱۵ خرداد ۱۴۰۱ به رفیق بلندمرتبه‌اش پیوست.

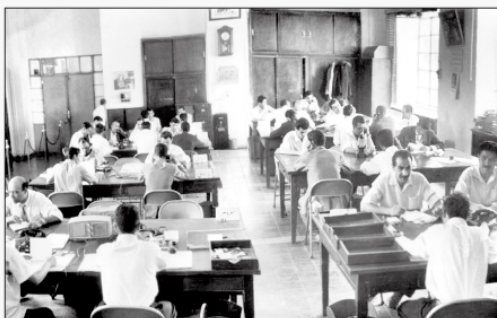
بدین سان در آستانه نود و هفتمین سال انتشار، دوره پنجم مدیریت اطلاعات آغاز شد.

در طول این پنج سال، نشریات متعددی با گرایش‌های گوناگون در عرصه مطبوعات کشور منتشر می‌شدند که از آن جمله می‌توان به نشریاتی همچون قرن بیستم (میرزاده عشقی)، ناهید (ابراهیم ناهید و عارف قزوینی)، طوفان (فرخی یزدی)، نصیحت (میرزا یحیی واعظ قزوینی)، نوبهار (ملک‌الشعرا ی بهار)، نسیم شمال (سید اشرف‌الدین حسینی)، حیات جاوید، ستاره و... اشاره کرد.

در آن دوره برخی از این نشریات همچون نوبهار بارها توقیف شدند و از انتشار بازایستادند. به حیات برخی از آن‌ها چون قرن بیستم (با ترور میرزاده عشقی) از سوی عمل سردار سپه خاتمه داده شد و برخی نیز با حکم حکومتی و دستور مقامات دولتی دیگر منتشر نشدند. تعدادی از مطبوعات نیز با تبعیت از دستورات نظام حاکم و تن دادن به خواسته‌های دولت‌ها و شاه‌ها کجبار و مرز به راه خود ادامه دادند.

در خلال هیاهوی سیاسی و فشارهای آن دوران بر مطبوعات، جریدهای بنام اطلاعات از سوی عباس مسعودی، مالک آژانس خبری اطلاعات یا به عرصه مطبوعات گذاشت.

نخستین شماره روزنامه اطلاعات در ۱۹ تیر ۱۳۰۵ منتشر شد و بعد از یک وقفه یک‌ماهه، از ۱۹ مرداد به طور مرتب به انتشار ادامه داد و تا به امروز یعنی به مدت نود و هفت سال به‌جز چند پرده کوتاه، همواره و هرروز در پیشخوان دکاهای مطبوعات قرار داشته است. در سرمقاله نخستین شماره اطلاعات که در دو صفحه و به قیمت چهار شاهی (هر بیست شاهی معادل یک ریال) به قلم صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن عباس مسعودی نگاشته شد چنین آمده بود: «این روزنامه به‌صورت یومیه و مرتب انتشار خواهد یافت و حاوی اخبار و حوادث کلیه نقاط ایران و تفصیل پاره‌ای حوادث مهمه دنیا و اخبار خارجه و بعضی مطالب سودمند می‌باشد.»



مسعودی به قول خود وفا کرد و تا زمانی که عمرش به دنیا بود و اداره روزنامه را برعهده داشت، به جز دو برهه اطلاعات به طور مرتب منتشر شد. آن دو دوره هم یکی در جریان وقایع ۱۷ آذر ۱۳۲۱ بود که به دنبال تظاهرات اعتراض آمیز علیه دولت قوام‌السلطنه، همه روزنامه‌ها به دستور دولت تعطیل اعلام شدند و لاجرم وقفای دوماه در انتشار روزنامه رخ داد و بار دیگر نیز در جریان کودتای ۲۸ مرداد که اطلاعات در روزهای ۲۸، ۲۹ و ۳۰ مرداد چاپ نشد.

عباس مسعودی در روز ۲۸ خرداد ۱۳۵۳ از دنیا رفت. وی در کنار فعالیت روزنامه‌نگاری از دوره دهم تا دوره پانزدهم یعنی شش دوره نماینده مجلس شورای ملی و از زمان تأسیس مجلس سنا تا پایان عمر نماینده مجلس سنا بود. او در دوران مدیریت خود علاوه بر روزنامه اطلاعات، روزنامه‌های «ژورنال دو تهران» (به زبان فرانسه)، «تهران ژورنال» (به زبان انگلیسی) و مجلات «اطلاعات هفتگی»، «اطلاعات ماهانه»، «اطلاعات هوایی»، «اطلاعات سالانه»، «اطلاعات کودکان»، «اطلاعات دختران و پسران»، «اطلاعات بانوان»، «الاکا» (به زبان عربی) و «دنیای ورزش» را نیز در مؤسسه اطلاعات چاپ و منتشر کرد. البته عمر «اطلاعات کودکان» و «اطلاعات ماهانه» چندان زیاد نبود. «اطلاعات کودکان» جای خود را به «اطلاعات دختران و پسران» داد و «اطلاعات ماهانه» و «اطلاعات هوایی» نیز بعد از مدتی تعطیل شدند اما باقی آن‌ها تا زمان انقلاب، یعنی دورانی که فرهاد مسعودی فرزند وی اداره روزنامه را بعد از پدر برعهده داشت نیز به‌چاپ می‌رسیدند.

با پیروزی انقلاب، انتشار روزنامه‌های «ژورنال دو تهران»، «تهران ژورنال» و «الاکا» متوقف شد. «اطلاعات سالانه» و «دختران و پسران» نیز بعد از انقلاب منتشر نشدند. «اطلاعات بانوان» نیز با تغییر عنوان با نام «راه زن» تا سال ۱۳۶۲ منتشر شد و سپس از انتشار بازنماند، ولی سه مجله «دنیای ورزش»، «اطلاعات هفتگی» و «اجواتان» به انتشار خود ادامه دادند.